



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

جایگاه پوشاک در توسعه فرهنگی

فاطمه ستاره

کارشناسی طراحی پوشاک

چکیده:

آشکارترین نشانه فرهنگی و شاخص ترین مظهر و سمبل ملی - قومی، «پوشاک» است. پوشاک یکی از نیازهای اساسی مادی انسان است که برای تطبیق با محیط طبیعی و اجتماعی که از آغاز پیدایش بشر تاکنون بر اساس شرایط مختلف اقلیمی و اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده دچار تغییر و تحول شده است و کارکردهای مختلف و عناصر فرهنگی مرتبط با آن در قالب فرهنگ مادی بررسی و مطالعه می شود. ارتباط بین فرهنگی و انتقال پیام در بین فرهنگها، آثار زیادی بر توانایی پدیده هایی .شناختی و رفتاری افراد جامعه داشته و موجب تسهیل در تعاملات بین فرهنگی در آینده می شود مانند گردشگری نقش مهمی در ایجاد وضعیت مطلوب و تقویت ویژگی مشترک بین افراد جامعه دارند. توسعه گردشگری به عنوان یک پدیده فرهنگی، موجب می شود که فرصت کافی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان به وجود آید. بر این مبنا آنان می توانند یکدیگر را بهتر درک کرده و به فرهنگ هم احترام پوشاک یکی از مهمترین مظاهر قومی و برجسته ترین نشانه (.تقوایی و صفرآبادی، ۱۳۹۱، ۶۱) (بیشتری بگذارند فرهنگی هر سرزمین و قوم است که به سرعت پدیده های فرهنگی جوامع گوناگون بر آن تأثیر می گذارند تا آنجا که برخی اعتقاد دارند که چیرگی فرهنگی و سلطه پذیری در ابتدا از طریق پوشاک صورت می گیرد. با تغییر پوشاک افراد یک جامعه، می توان نوع زندگی و روش تولید آنها را دگرگون کرد

کلمات کلیدی: پدیده فرهنگی ، پوشاک ، تبادل فرهنگی ف انتقال پیام ، توانایی ، جامعه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه:

و سلیقه اعتقادات مذهب، نروع تروان مری شرخص پوشش ی شیوه کردن بررسی با یعنی است، انسان شخصیت بیانگر پوشش پوشش از بود ردو حیا و حجب دارای عرفاً ایرانیان اسلام از بعد چه اسلام، از قبل چه تاکنون گذشته از. دریافت را اشخاص ی چه و علمی فرهنگی، چه چه ها عرصه ی همه در ایران. کردند می استفاده می پوشانیده خوبی به را آنها بدن که مناسب های پیشرو نیز ولباس مرد تولید و طراحی ی عرصه در. است غنی فرهنگ دارای و است یافته توسعه و پیشرفته نظامی نظر از آنجا از و باشند مناسب خود پوشش دارای باید اسلام نظر از نیز مردان بلکه نیست، زنان خاص اسلامی پوشش علاوه به. است در. است شده کار زرنانبیشتر لباس درمورد لباس، و مد طراحی ی حوزه در است، فراوان تنوع دارای زنان لباس طراحی که مردان همچنین و زنان در وایرانی اسامی حجاب گرفته، قرار دشمن فرهنگی حملات مورد اسلام دین که کنونی ی جامعه شد خواهد فرهنگی آرمانهای بالاخص ما، اسلامی کشور آرمانهای کلیه حفظ موجب

تمدنهای بزرگ باستانی، در سرزمین های حاصلخیز و گرمسیر هند و کرانه فرات که دارای شرایط مساعدی چون وجود جنگلها، رودخانه ها آب و هوای خوب مناسب بودند، پدید آمدند. از این رو عجیب است اگر در این تصور بمانیم که انگیزه ابتدایی انسان برای پوشیدن لباس، تنها محافظت از سرما و گرما بوده است. بلکه باید جویای علل دیگری شویم که نقشی ما انسان ها از روزی که به دنیا آمده ایم خود را مقید به قانون نانوشته و ازلی و ابدی دانسته ایم که. تعیین کننده داشته اند همیشه باید تن خود را بپوشانیم. پوشیده بودن و پوشش داشتن در اکثر اقوام و جوامع امری بدیهی و پذیرفته شده است. شاید در بعضی از قوم های بدوی و دور از تمدن مثل سرخپوست های امریکای جنوبی یا آفریقایی در این زمینه استثنائاتی وجود داشته باشد اما در جوامعی که تمدن وجود دارد، پوشش هم امری الزامی به نظر می رسد.

اینکه چرا پوشش اینقدر بدیهی است، پاسخ های فراوان و متعددی دارد که محل بحث ما نیست. اما چیزی که به موضوع مقاله ما مربوط می شود تاثیر متقابل و رابطه لباس و فرهنگ است. به این معنی که همانقدر که لباس پوشیدن اعضای یک جامعه بر فرهنگ آن جامعه تاثیر می گذارد، فرهنگ شان نیز بر پوشاک آن ها تاثیر گذار است. به همین خاطر به سختی می توان ردیابی کرد که تاثیر کدام یک بر دیگری بیشتر یا کم تر بوده است.

برای مثال، فرهنگ لباس پوشیدن در ایران با فرهنگ لباس پوشیدن در ترکیه، افغانستان یا فرانسه تفاوت های جدی و چشم گیری دارد. حال به نظر شما دلیل این تفاوت این است که چون فرهنگ این کشورها با هم تفاوت داشته به طور طبیعی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

طرز لباس پوشیدن آن‌ها هم فرق دارد یا برعکس، چون هر کدام از این جوامع به شکل خاصی لباس پوشیده‌اند فرهنگ‌شان هم رفته رفته تغییرات بیشتری پیدا کرده است؟

ممکن است مورد اول، یعنی تاثیر فرهنگ بر پوشش منطقی‌تر به نظر برسد اما نباید اهمیت مورد دوم را هم فراموش کرد. در یک کشور، گروه‌های مختلفی وجود دارند که نوع پوشش آن‌ها مهم‌ترین تفاوت‌شان با دیگران است. برای مثال، سبک لباس هیپ هاپ که خوانندگان رپ از آن پیروی می‌کنند تاثیرات چشمگیری بر رفتار، گفتار و حتی طرز فکر آن‌ها گذاشته است. پس طرز پوشش آن‌ها نوعی هویت جمعی برای‌شان به وجود آورده است و همه به خوبی می‌دانیم که فرهنگ به آدم‌ها هویت می‌بخشد. فرهنگ پوشش در ایران رابطه مستقیمی با هویت جمعی ایرانیان دارد و در دوره‌هایی که هویت آن‌ها رنگ باخته و به هویت غربی گرایش پیدا کرده، طرز لباس پوشیدن‌شان هم متأثر از همین اتفاق بوده است.

انسان اولیه از ماهیت پدیده‌های طبیعی که بقای او به آنها وابسته بود شناختی نداشت. بنابراین آنها را با نیروی فرا طبیعی و جادویی مربوط می‌دانست، به آنها ایمان می‌آورد و برخی از آنان را مورد پرستش قرار می‌داد که این پرستش در قالب مراسم و آئینهای ویژه‌ای به اجرا در آمد. انسان صورتک بر چهره گذاشت و پوششی شبیه جانوران بر تن می‌کرد تا از این راه بتواند روح آنها را تسخیر کند، یا با آنها ارتباط معنوی برقرار سازد و برای موفقیت در شکار یا پیروزی در جنگ، از آنان یاری طلبد، آدمی از این پوشش همچون یک پشتیبان و حامی جادویی بهره می‌جست.

فرهنگ چیست؟

جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و محققان علم مطالعات فرهنگی تعریف خاص خود را از مفهوم «فرهنگ» ارائه کرده‌اند. به صورت کلی می‌توان آن را نحوه زندگی کردن تعدادی از انسان‌ها دانست که چیزهای مشترکی در این نحوه زندگی وجود دارند. شکل تعامل افراد با محیط جغرافیایی و محیط اجتماعی، نحوه ارتباط افراد با یکدیگر، نوع پاسخ دادن به نیازهای اجتماعی و حتی نیازهای فردی، چگونگی اندیشیدن و طرز فکر آن‌ها همگی بخشی از فرهنگ یک گروه از افراد را تشکیل می‌دهند.

در فرهنگ فارسی معین واژه فرهنگ را تشکیل شده از دو جزء «فر» و «هنگ» می‌داند که در کنار یکدیگر معنای پیش کشیدن یا فراکشیدن می‌دهند و در نتیجه، این مفهوم به پیشرفت کردن ارجاع می‌دهد. حال از این تعاریفات آکادمیک که بگذریم، باید به این هم اشاره نماییم که فرهنگ مساله‌ای است که ما آدم‌ها با آن زندگی می‌کنیم و در تمام اجزای زندگی و حتی مرگ ما نیز رخنه کرده است. از جمله مصادیق آن هم: تاثیر فرهنگ بر مد و فشن،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تاثیر فرهنگ بر روی لباس پوشیدن، تاثیر فرهنگ بر انتخاب لباس و پوشاک و ... است. پس در ادامه فرهنگ را از جنبه مد، لباس و پوشاک مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

رابطه لباس و فرهنگ

ایرانیان با وجود تفاوت‌های زبانی و حتی نژادی در بیشتر دوران ۳۰۰۰ سال گذشته دارای تجربه تاریخی مشترکی بوده‌اند، مذهب مشترک داشته (زرتشت-اسلام) و از رسوم مشترکی برخوردار بوده‌اند. آیینهای ایرانی به رسومی گفته میشود که دارای ریشه تاریخی ایرانی هستند و از دوران باستان تا به امروز رسیده‌اند. برخی از این آیینها کموبیش زنده هستند. گستره آیینهای شناخته شده امروزی بازماندهای از سنتهای باستانی و آیینی ایرانی هستند. بررسی مراسم و زمان برگزاری آنها نشاندهنده ویژگیهای مشترک در میان همه آنهاست (ژیان باقری، ۱۳۹۲، ۷-۹). به عبارتی آنها یک تجربه مشترک تاریخی را پشتسر گذاشته و به روشها و پایداری در زندگی رسیده‌اند. مراسم باورهای مشترک و نسبتا ملی و محلی رایج در ایران ریشه در تاریخ کهن این سرزمین باستانی داشته و القاکننده هویت ملی، قومی و بومی مردم این سرزمین است. بنابراین میتوان گفت: دلیل پیدایش این آیینها، متأثر از باورها و تجربه اقوام ایرانی در طی دورههای مختلف تاریخی بوده و مرتبط با داستانهای اسطوره‌ای، همراه با نماد و سمبلهای اعتقادی با گذشت زمان، هویت و ماهیتی مشخص به خود گرفته است (همان). یکی از بخشهای مهم در آیینها و مراسم سنتی در ایران، پوشاک و لباسهای سنتی اقوام مختلف است. تاریخ لباسهای سنتی را نمیتوان از تاریخ تفکر بشری جدا دانست، زیرا تغییر در نوع پوشش در ادوار گوناگون بشری، تناسب مستقیم با منظر هستی شناسانه انسان

بر این مبنا، پوشاک هر قومی، چستی و کیستی آن دارد و مظهر نگاه او به جایگاه خود در عالم تلقی میشود قوم را تعرف میکند و از این رو از مؤلفه های مهم هویتی و فرهنگی به شمار میرود. هویت فردی و جمعی یا ملی، خود جزء جدایی ناپذیری از فرهنگهای بشری است و به عبارتی از مهمترین وجوه هویت ملی، وجه فرهنگی (در بسیاری از فرهنگهای پیشین، پوشاک در درجه اول، هویت اجتماعی و سپس هویت آن است (یاسینی، ۱۳۹۵، فردی را مشخص می ساخت. امروزه نیز به طور یقین، لباس و هویت اجتماعی کاملا با هم بی ارتباط نیستند و لباس همچنان یک تمهید داللتگرانه است که جنسیت، موقعیت طبقاتی و منزلت حرفهای را نشان میدهد (جنکینز، ۱۳۸۱) بنابراین نوع پوشاکی که افراد میپوشند، هم در تعریف هویت فردی از منظر درونی و هم در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تبیین هویت جمعی از منظر بیرونی مؤثر خواهد بود. چنانچه پوشاک را از منظر کارکردهای نمادین آن در نظر آوریم، میتوان تصور کرد که اهمیت جایگاه آن به منزله پدیده‌های فرهنگی در هویت‌یابی فردی و جمعی به چه میزان است، هویتی که متأثر از جهانی‌شدن فرهنگها در سایه تسلط دانش نوین رسانهای و ارتباطی، دستخوش تغییر و تطور مداوم قرار گرفته است (همان،) تمدن ایران در ادوار تاریخی مختلف، دارای سبکی از پوشاک بوده است که حتی امروزه با وجود تأثیرپذیری از سبکهای مختلف غیربومی، همچنان خصلت متمایز خود را حفظ کرده است. کهنترین رودبار به دست (اسناد مربوط به پوشاک در استان گیلان از یافته‌های باستانشناسی در تپه مارلیک (چراغعلی تپه آمده است. در این اکتشاف طرحی از بانوی گیلانی وجود دارد که هنوز هم در لباس زنان گیلان امروزه به خصوص در کوهپایه‌های شرق گیلان این نشانه‌ها را میتوان یافت. این یافته‌ها انواع تزیینات که بر روی دامن و پیراهن و در لباس امروز زنان گیلان با وجود گذر چند هزار (رهنمایی، ۱۳۹۳) پیشانی بند به کار میرفته را نشان داده است ساله، ردپای پوشش دیرین مشهود است

رابطه مد و فرهنگ

مد یکی از زیرمجموعه‌های فرهنگ جامعه است. در پاسخ به سوال مد چیست؟ بهتر است اینگونه آن را تعریف کنیم که مد به سبک زندگی یا اصطلاحاً لایف استایل مشترک عده‌ای از آدم‌ها گفته می‌شود که چند ویژگی را با خود دارد، از جمله:

۱. مد لزوماً محدود به جغرافیای خاصی نیست. علی‌الخصوص در دهه‌های اخیر که عملاً مرز میان بسیاری از کشورها برداشته شده و مد نیز به صورت پویا و زنده در میان کشورها و جوامع مختلف در رفت و آمد است.

۲. مد پدیده‌ای موقتی است و در هر دوره‌ای بنابر اقتضای زمانه یک چیز مد می‌شود.

۳. مد در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها ورود می‌کند از جمله: پوشاک، تزئین منزل، سبک معماری خانه، انتخاب وسایل شخصی، انتخاب نوع تفریحات و ...

پس در هر سه ویژگی ردپای فرهنگ را به طور جدی می‌توان دنبال کرد. تاثیر میان این دو هم کاملاً متقابل است. هرگاه که یک نوع لباس پوشیدن مد می‌شود متأثر از فرهنگ خاصی است و به همین ترتیب، بر فرهنگ جامعه‌ای که مد واردش شده هم تاثیرگذار خواهد بود. فرهنگ مد را می‌سازد و تاثیر مد بر فرهنگ هم در ادامه اتفاق می‌افتد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پوشاک سنتی ایران، بخش عظیمی از فرهنگ اصیل، بومی و معنوی ایران است و گنجینه پربها و باارزشی است که هر قوم و ملتی وظیفه دارد در نگهداری و حفظ و سپردن تام آن به نسل های بعدی، اهتمام ورزد.

پوشاک سنتی و مطالعه آن در مجموعه ای از «سرپوش»، «تن پوش» و «پاپوش» و همچنین «زیورآلات» و جواهرات «محلی» محدود می گردد. تنوع پوشاک زنان به خصوص در سرپوش ها و تن پوش ها، و نیز استفاده از زیورآلات و تزئینات و آویزه های پوشاک به مراتب بیش از پوشاک مردان است.

با توجه به نقش بسیار مهمی که زنان عشایر در عرصه زندگی کوچ نشینی و انتقال فرهنگ داشته اند، از این رو پژوهش حاضر، به شناخت و بررسی پوشاک زنان عشایر با توجه به تأثیرات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و نیز تأثیرات اقلیم و آب و هوایی بر آن، می پردازد.

نظریه های مردم شناسی برای استفاده از روشهایی است که به آسانی و با دقت و بطور همه جانبه بتواند در شناخت زندگی اجتماعی و فرهنگی و سیر تکاملی فرهنگ و تمدن جوامع راهنما باشد. نظریات مردم شناسی غالباً بر پایه پاسخگویی به سؤلهایی در مورد وقوع رفتار اجتماعی به شکل موجود و علل تمایزات بشری بنا شده اند.

ارتباط میان نظریاتی که از پیش ارائه شده و اطلاعات جدید با وقایع اجتماعی که در جریان است، دریافت عینی واقعیت را به عنوان اساسی ترین و بنیادی ترین ویژگی های علم نمایان می کند.

پدید آمدن پوشاک امری تصادفی یا خواستی فردی نبود ۸ است. پوشاک بر معنای تفکرات و نیازهای اقلیمی، مادی، و معنوی به وجود آمده و آئینه تمام نمایی از تاریخ زندگی بشر شده است که در طول زمان تحول یافته است. نظم و هم آهنگی پوشاک دوران باستان، در قرون وسطی جای خود را به شکل و ظاهری شکوهمند داده و در عهد رنسانس پر رزق و برق بوده و صورتی تجملی داشته است، سپس در عصر نوین لباس شکلی نا مشخص و رمز به خود گرفته است. در کنار گونه گونی سلیقه های ساکنان زمین، لباس شاهد تکامل همیشگی بوده است. و در این روند تحت تاثیر عوامل متعددی شکل امروز خود را یافته است.

لباس تنها ابزاری جهت پوشش اندام برای مقابله با شرایط جوی، حفظ عفت ایجاد آسایش و راحتی نمی باشد، بلکه ابزاری است جهت ایجاد ارتباط ماهانه میان اندام و قلمرو زنده اطراف آن و به بیان دیگر لباس یک قلمرو شخصی را می سازد که این قلمرو با روشی تخصصی و دانش مدارانه به انسان توانایی از خاطر بردن تفاوت و یا ایجاد تمایز در گروههای زیستی را می دهد

که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چگونگی رفتارهای پوششی اغلب با رجوع به ضوابط و معیارهای. همین تمایز سبب شکل گیری هویت های متفاوت می گردد. واقعیت گرا و عملکردی تصمیم گیری می شوند. انتخاب لباس برای رفتن به دانشگاه و درس خواندن، انجام امور منزل و یا باغبانی به معیار خاصی مگر آسایش و راحتی نیاز ندارد، ولی از طرف دیگر انتخاب پوشش مناسب جهت رفتن به یک مصاحبه شغلی، میهمانی شام یا جشن عروسی شامل محاسبات خاصی درباره رفتارهای پوششی و محیط اجتماعی و فرهنگی می شود. بدین ترتیب در تلاش برای یافتن توضیحات ضروری درباره فشن، می یابد به دنبال مستدلالت و اصول عقلانی که بر پایه مکان شکل گیری پوشش به وجود آمده است، بود در یک مرحله عادی، فشن گونه ای از نقل و انتقال فرهنگی از جامعه ای به جامعه دیگر می باشد وسیله ای که توسط آن افراد و گروهها یاد می گیرند تا به صورت بصری در خانه خودشان و فرهنگستان باشند. با دادن یک شخصیت مکانی یا محلی به محیط های فشن، این نقل و انتقال فرهنگی از حالت تک جامعه ای خارج می شود و سبکها و گونه های پوششی یک رفتار و سمت گیری. فشن به کدهای خاص از رفتارها و تشریفات مکانی ارتباط پیدا می کند جمعی وابسته به رسوم و شیوه های محلی را مشخص می کنند. این در حالی است که برخی از صاحب نظران بر نقش اقتصاد و سرمایه داری در شکل گیری فشن تاکیدیش از اندازه می کنند. در حالیکه نظام سرمایه داری ممکن است در شیوه های تولید و یا مصرف تغییر دهد ولی نقش رفتارهای پوششی را نمی تواند تحت تاثیر قرار دهد و سرمایه داری نیم تواند برای فشن به عنوان یک تمرین اجتماعی تصمیم گیری کند.

پوشاک هر ملت و قوم، به عنوان پدیده فرهنگی حاصل از تمدن، در اصل مشخص کننده شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و ملت و نشانه ای از پای بندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم و دیگر شاخص های فرهنگی و هم چنین، نشانگر علاقه به تمایز فرهنگی، استقلال سیاسی و اقتصادی است.

سرزمین ایران از دیرباز تاکنون، پذیرای اقوام مختلفی بوده است که هر یک بنا به موقعیت های پیش آمده و دلایل خاص خود به این دیار مهاجرت کرده و در آن ماندگار شده اند. اقوامی که هر یک از لحاظ ظاهر فرهنگی از نیاکان خود تأثیر گرفته و نیز بر بوم زادان خود مؤثر بوده اند.

گروههای متفاوت قومی که در مناطق مختلف ایران زندگی می کنند. هر یک دارای ویژگی های برجسته ای هستند و تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله عوامل اکولوژیکی منطقه قرار دارند، تن پوش ویژه ای به تن دارند که در همان نگاه نخست، قومیت، حوزه زندگی، زبان و سایر مشخصات فرهنگی و حتی مذهب و اشتغالات اصلی زندگی آنان را در ذهن بیننده تداعی می کند. پوشاک سنتی ایران، بخش عظیمی از فرهنگ اصیل، بومی و معنوی ایران است و گنجینه پر بها و باارزشی است که هر قوم و ملتی وظیفه دارد در نگهداری و حفظ و سپردن تام آن به نسل های بعدی، اهتمام ورزد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پوشاک سنتی و مطالعه آن در مجموعه ای از «سرپوش»، «تن پوش» و «پاپوش» و همچنین «زیورآلات» و جواهرات «محلی» محدود می گردد. تنوع پوشاک زنان به خصوص در سرپوش ها و تن پوش ها، و نیز استفاده از زیورآلات و تزئینات و آویزه های پوشاک به مراتب بیش از پوشاک مردان است.

موارد استفاده از هر سرپوش و سربند، رنگ، جنس، اندازه، زیورآلات و تزئینات، نقوش و نحوه بستن آن و نیز مقدار پارچه لازم و اندازه ها، رنگ، جنس، تزئینات، نحوه دوخت و طرز تهیه، کارکرد و موارد استفاده تن پوش نزد دختران و زنان معرف و نشان دهنده منزلت اجتماعی، شخصیت، موقعیت اقتصادی، سن و ویژگی های فرهنگی آنها به شمار می رود. بنابراین پوشاک سنتی می تواند دلایل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد که ریشه در ساختار فرهنگی و موقعیت اقتصادی آنان دارد. کامل بودن پوشاک سنتی و راحتی آن، زیبایی، استفاده مناسب از رودوزی های سنتی در تکمیل و تزئین لباس، داشتن تجانس و قرابت فوق العاده با فرهنگ جامعه به خصوص با محل مورد نظر خود، و متناسب بودن با شرایط اقلیمی و جغرافیایی، بر اهمیت هر چه بیشتر آن می افزاید. از این رو اساس مطالعه در مردم شناسی پوشاک را می توان در قالب عوامل زیر دسته بندی نمود:

۱- مبانی اعتقادات و باورهای دینی و فراگیر

۲- عوامل زیست محیطی و اقلیم

۳- شرایط و روابط اجتماعی از جمله نحوه معیشت و نیز قشربندی اجتماعی

۴- تأثیر همجواری با اقوام مجاور و نزدیک

بدیهی است که هر یک از اجزاء پوشاک و زیورآلات متأثر از عوامل نام برده، می باشند.

پوشیدگی از جمله شاخص های بارز پوشاک در فرهنگ ایرانی است. استفاده از «سرپوش» در قومیت های مختلف رایج است اما در هر قوم و قبیله ای شکل آن، بنا به باورهای آنان متفاوت است نظیر پوشاندن دهان، چانه، و بینی نزد زنان ترکمن یا پوشانیدن و بیرون گذاشتن قسمتی از مو نزد زنان کرد و بختیاری، که هر یک ریشه در هر دو باور فرهنگی و اعتقادی دارد. همچنین فرم و برش تن پوش ها به گونه ای است که علاوه بر راحتی آن، مانع انجام فعالیت های گوناگون نمی شود و پوشش کامل به شمار می رود. پوششی که علاوه بر پوشندگی، نشان دهنده قومیت و باورهای مربوط به آن قوم نیز هست.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیشینه تحقیق

طی چند دهه اخیر، تحقیقات مردم شناختی در مورد پوشاک سنتی ایران و ویژگی های فرهنگی، اجتماعی بسیار اندک و محدود صورت گرفته است.

نخستین کسی که در ایران به ثبت و ضبط پوشاک سنتی و بومی ایرانیان پرداخت، دکتر «جلیل ضیاءپور» است. آغازی بزرگ بر پژوهش پوشاک، بهترین و شیواترین عبارتی است که می تواند معرف این بنیانگذار، در زمینه مطالعه پوشاک باشد.

«پوشاک باستانی ایرانیان از کهن ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان» نخستین کتابی است که در این زمینه توسط دکتر ضیاءپور به چاپ رسید (۱۳۴۳). پس از آن کتاب «پوشاک ایل ها، چادرنشینان و روستائیان ایران» تحولی عظیم را در پژوهش های مربوط به پوشاک اقوام مختلف ایران به وجود آورد، تأکید وی بر اهمیت اقلیم و طبیعت و نیز ارتباط میان اقوام مختلف است و همچنین، تأثیری که بر شکل پوشاک می گذارند. پس از انتشار این کتاب در سال ۱۳۴۶ کتابهای دیگری نیز از این محقق بزرگ تحت عناوین «گزارشی از چگونگی پوشاک در زمان مادها (۱۳۴۷)، پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا آغاز دوره پهلوی (۱۳۴۹)» به چاپ رسیده است.

تاریخ تحول لباس در ایرن از آغاز تا اسلام (۱۳۴۶) نیز توسط آقای میرمحمد مشیرپور به بررسی تغییرات کیفی لباس ایرانیان در دوره های تاریخی پیش از اسلام تا ورود اسلام به سرزمین ایران می پردازد.

یحیی ذکاء نیز لباس زنان ایران از سده سیزدهم هجری تا امروز تهران را در سال ۱۳۳۶ مورد بررسی واقع شده است.

«تاریخچه پوشش سر در ایران»، از کتاب های جامع و ارزنده ای است که توسط خانم سهیلا شهشهانی (۱۳۷۲) مورد بررسی واقع شده است.

«تاریخ پوشاک ایرانیان» توسط دکتر محمدرضا چیت ساز، کار پژوهشی در حال انجام است. وی پوشاک ایرانیان را در چهار دوره مورد بررسی قرار داده است:

- ۱- دوره ایران باستان
- ۲- دوره ایران بعد از اسلام (۶ قرن اول)
- ۳- دوره ایران پس از اسلام
- ۴- دوره معاصر

دوره اول این کتاب، سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات سمت به چاپ رسیده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، تحقیقات و گزارشات مردم نگاری در مورد پوشاک محلی مناطق مختلف کشور انجام داده، پژوهش های انجام گرفته، مردم نگاری پوشاک محلی استان های آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، بوشهر، خراسان، زنجان، سمنان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، استان مرکزی، هرمزگان و خوزستان بوده است. نتایج حاصل از این تحقیقات، در آرشيو پژوهشکده بوده و قابل دسترسی و استفاده برای علاقمندان نیست. مجلات هنر و مردم (۴۷-۱۳۴۲)، روزگار (۱۳۴۸)، میراث فرهنگی (۱۳۶۹) و ... به این مقوله پرداخته اند. گر چه مقالات و پژوهش های مربوطه به صورت اختصار بیان شده است لیکن در معرفی و پرداختن اجمالی به آنها موفق بوده است. رساله هایی که در زمینه عشایر کار شده است، بیشتر به بررسی وضعیت فرهنگی اجتماعی آنها، ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی تحلیل های مردم شناختی در مورد آداب و رسوم خانواده و خویشاوندی و صنایع دستی و مونوگرافی ایل مورد نظر پرداخته است و در این میان، نگاه گذرا و اجمالی نیز به پوشاک شده است. بررسی پوشاک عشایر به طور خاص به صورت بسیار محدود صورت گرفته است و تنها بررسی و پژوهش مختص به یک دوره تاریخی ایل و طایفه بوده و کمتر به کار مقایسه ای پرداخته شده است، از جمله:

- ۱- پوشاک زنان در دوره ایلامی و هخامنشی توسط خانم مهناز طاهری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲
 - ۲- بررسی پوشاک طایفه شش بلوکی از ایل قشقایی و عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر آن توسط خانم فروزنده رب دوست، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مرکز، ۱۳۷۴
 - ۳- بررسی فرهنگی و مردم شناختی شهرستان تاکستان با تکیه بر صنعت لباس های محلی زنان توسط خانم فریبا رحمنی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، ۱۳۷۶
- نظریه های مردم شناسی برای استفاده از روشهایی است که به آسانی و با دقت و بطور همه جانبه بتواند در شناخت زندگی اجتماعی و فرهنگی و سیر تکاملی فرهنگ و تمدن جوامع راهنما باشد. (روح اللامینی، ۱۳۷۲، ص ۸۳)
- نظریات مردم شناسی غالباً بر پایه پاسخگویی به سؤالی که در مورد وقوع رفتار اجتماعی به شکل موجود و علل تمایزات بشری بنا شده اند.
- ارتباط میان نظریاتی که از پیش ارائه شده و اطلاعات جدید با وقایع اجتماعی که در جریان است، دریافت عینی واقعیت را به عنوان اساسی ترین و بنیادی ترین ویژگی های علم نمایان می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از این رو، در بررسی پدیده های فرهنگی و انسانی استفاده از نظریاتی که شالوده علمی دارند، علاوه بر این که زمینه مطالعاتی مورد نظر را جهت دار می کنند، به روشن شدن بسیاری از ویژگی های فرهنگی پدیده موردنظر می انجامند و بدین ترتیب با شکل گرفتن این پدیده های فرهنگی، در چنین قالب علمی، برغنا و استواری هر چه بیشتر پژوهش افوده می شود. این پژوهش، با به کارگیری نظریه هایی از مکاتب کارکردگرایی (بکارآیی) و اشاعه (تراوش) به بررسی و تحلیل موضوع مورد نظر (پوشاک زنان عشایر با توجه به تأثیرات اجتماعی - اقتصادی، باورهای فرهنگی و اقلیم) می پردازد.

در ادامه، جایگاه نظریات یاد شده در چارچوب تحقیق به اختصار بیان می گردد:

۱- مکتب کارکردگرایی (بکارآیی)

عبارت است از بررسی هر عمل اجتماعی و یا هر نهاد با توجه به رابطه ای که با تمامی کالبد اجتماعی دارد. طبق این تعریف کلی از مکتب کارکردگرایی، نظریه های مرتبط و وابسته به این مکتب و نیز پژوهش مورد نظر عبارتند از:

۱-۱- نظریه نیازمالینوسکی:

در زمینه نیاز، یک برداشت این است که نیازهای نظام اجتماعی را برخاسته و نشأت گرفته از نیازهای اشخاص می دانند. شاخص ترین نظریه پرداز در این مقوله «برانیسلاو مالینوسکی» است.

وی معتقد است که «در یک تمدن و فرهنگ هر عاملی کارکردی نسبت به کل مجموعه دارد و کار آن عبارت است از تأمین نیازهای انسانی، از این رو نتیجه می گیرد که پیدایش رسوم و معتقدات و سازمانهای اجتماعی برای برآورده شدن نیازهای غریزی انسان است» (م. روح الامینی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۱).

به نظر مالینوسکی، اجزاء و عناصر هر فرهنگ از آن رو پدید می آید که به یک رشته نیازهای اساسی فرهنگی و انسانی پاسخ گوید. در هر نظام فرهنگی همه رسوم و باورها و اندیشه ها و اشیاء مادی دارای نوعی کارکرد حیاتی هستند و نیاز معینی را برآورده می کنند (گارباینو، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

«مالینوسکی» نظریه فرهنگ و سازمان اجتماعی را براساس تجزیه و تحلیلی که به اصطلاح خود از طبیعت بشری به عمل آورده است بنا نهاده است. بدین گونه که:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اگر انسان ها به دلیل ترکیب جسکانی و روانی خود دارای نیازهای دائمی و مستمری هستند، پس این نیازهای اساسی، مستلزم وجود ترتیبات اجتماعی خاص است که بتواند به طور مداوم آنها را برآورده کند. این ترتیبات و نظامات، انسان هایی را به وجود می آورد که بر روی آن، نظام های اجتماعی توسعه می یابند. (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۵).

مالینوفسکی نیازهای بنیادی انسان را به هفت گروه تقسیم نموده است و راه یابی پاسخ گویی به هر نیاز را نیاز مطرح نموده که این نیازها عبارتند از:

— نیازها مثل تغذیه، تولید و مثل، راحتی و آسایش جسمانی، امنیت، آرامش، جنبش

— رشد که راه تأمین آنها به ترتیب عبارتند از : خوراک، ازدواج و خانواده، لباس، حمایت، دفاع، بازی ها و راحتی، ارتباطات و آموزش.

مالینوفسکی معتقد است که انسان ها بر پایه این نیازهای اولیه، نیازهایشان را مرتفع می سازند. مثلاً برای راحتی و محافظت بدن از سرما و گرما و پوشش مناسب این نیازها را برطرف می کند آنچه که در این بحث قابل توجه است، این است که نیازهای ثانویه بر اساس تمایلات نیازهای اولیه شکل می گیرند. مثلاً اگر چه همه انسانها پوششی برای خود دارند، اما آنچه که آن ها در پوشاندن خود و چگونه پوشاندن خود رعایت می کنند، به لحاظ فرهنگی مشروط، حائز اهمیت می باشد چرا که هر جامعه ای با قوانین و تحریم های خاص خود در این مورد مواجه می باشند.

به این ترتیب واضح است که انسان ها به نیازهای اولیه در قالب مکانیزم های فرهنگی گروه پاسخ می دهند. و بدین سان همه خصایص و نهادها با نظام فرهنگی همبسته است. (گاربارینو، ۱۳۷۷، ص ۸۷)



منابع:

- افشار سیستانی، ایرج، مقدمه ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، تهران، ناشر مؤلف، ۱۳۶۶
- الوند، صنعت نساجی ایران از دیرباز تا کنون، تهران، انتشارات دانشکده صنعتی، ۱۳۵۰
- امان اللهی بهاروند سکندر، کوچ نشینی در ایران (پژوهشکده درباره عشایر و ایلات)، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰
- پورفرغام، فرهاد، صنایع دستی مردم ایل قشقایی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، مردم شناسی، تهران، دانشکده آزاد اسلامی، زمستان ۱۳۷۲
- تاجبخش، تاریخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷
- ضیاءپور، جلیل، پوشاک زنان ایران از کهن ترین تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، انتشارات فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷
- مشیرپور، محمد، تحول لباس در ایران، مجله باستان شناسی شماره ۴ و ۳
- یاوری، یوسف، مختصری درباره لباس های سنتی مردم مناطق مختلف ایران، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۷